ادامه از صفحه اول

مصدق چگونه مات شد؟

سخن من این است که در هفته‌های آخر منتهی به کودتا، شـــرایط سیاسی کشور و سرنوشـــت سیاسی دکترمصدق به‌گونه‌ای درآمده بود که ایشـــان در بازی شطرنج سیاست آن روز به تعبیر شـــطرنج‌بازان مات شده بود؛ ابتکار دیگری برای حل‌وفصل مســـائل خارجی و داخلی نداشت و سقوط وی، اندکی زودتر یا دیرتر، حتمی بود. دکتر مصدق با تقریباً تمام بازیگران داخلی و خارجی رویاروی خویش، به بن‌بست رسید و مستأصل و زمین‌گیر شده بود. برای درک روشن‌تر قضیه کافی است به گزاره‌های زیر نگاه کنیم و بیندیشیم تا مات شدگی محتوم دکتر مصدق را دریابیم:

۱. بن‌بست مذاکرات نفت با دو ابرقدرت انگلیس و آمریکا و مخالفت آن‌ها با ادامه کار وی و در نتیجه فعال‌سازی سازمان سیا و MI۶ در برنامه‌ریزی اجرای طرح سقوط دولت مصدق.

۲. مخالفـــت رییـــس نظام حکومتی (شـــاه) بـــا ادامه نخست‌وزیری مصدق.

۳. مخالفت بسیاری از فرماندهان ارتش و پلیس با دکتر مصدق به دلایل گوناگون.

۴. مخالفت فعال بزرگ‌ترین حزب سازمان‌یافته سرتاسری کشور یعنی حزب توده با سیاست‌های دکتر مصدق.

۵. مخالفت بسیاری از نمایندگان مجلس با مصدق.

۶. مخالفت بسیاری از ملاکان عمده سرتاسر کشور با وی.

۷. مخالفت بســـیاری از یاران نزدیک ســـابق مصدق با سیاست‌های او؛ کسانی مانند آیت‌الله کاشانی، حسین مکی، مظفربقایی.

۸. سکوت مرجع اعلای شیعیان جهان آیت‌الله بروجردی در برابر وضعیت دولت مصدق و بلکه مخالفت ضمنی با وی.

۹. نوعی ورشکستگی مالی ناشی از تحریم خرید نفت ایران توسط انگلیس، آمریکا و متحدین آن‌ها که دولت را ناچار به فروش اوراق قرضه و غیره کرده بود.

۱۰. نومیدی و سرخوردگی بخش‌های بزرگی از مردم از پیچیدگی قضایا و عدم امید به حل‌وفصل مشکلات.

۱۱. فعالیـــت پیگیرانه برخی مخالفـــان خونی مصدق مانند اشرف پهلوی، برادران رشـــیدیان، آیت‌الله بهبهانی، شمس قنات آبادی، شعبان جعفری، و دیگران در راستای ســـازمان‌دهی اقشار فرودســـت و خلاف‌کار برای عملیات براندازی دولت مصدق. در شـــرایطی چنین آشفته ازلحاظ سیاســـی، اقتصادی و اجتماعی مصدق بایـــد به چه امید می‌داشت؟ بزرگ‌ترین تشکل هواداران وی یعنی جبهه ملی با عدم مدیریت فراگیر این‌همه بحران‌های تودرتو، کارها را به کاریزمای شخص مصدق واگذار کرده بود که دیگر کاری از دستش برنمی‌آمد. جبهه ملی که علی‌الاصول به‌عنوان یک تشکل کثیرالعضو باید در هیات «نماد خردجمعی هواداران مصدق» طرحی راهگشا ارائه می‌داد، گرفتار چنددستگی و کیش‌ومات شدن در این بازی پر بازیگر و آشفته شده بود. نحوه مدیریت بحران توسط دکتر مصدق به‌گونه‌ای درآمده بود که حتی یکی از نزدیک‌ترین و صادق‌ترین یاران و پیروان وی یعنی خلیل ملکی با اعلام نارضایتی از چگونگی پیشبرد امور توســـط او با نومیدی و از سر ناچاری به وی می‌گوید «دارید ما را به جهنم می‌کشـــانید، امـــا ناچاریم به احترام صداقت و پاک‌بازی شما با شما همچنان همراه باشیم»(نقل به مضمون). این تصویر کلان، نشـــان می‌دهد که سقوط دولت مصدق فقط به یک «تلنگر» نیاز داشت و واژه «کودتا» در انگلیسی (به معنای ضربه ناگهانی) درست به همین معنا است و کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ همین کار را کرد.

ادامه سرمقاله از صفحه اول

چند ملاحظه در ماجرای روحانی تندخو و علی کریمی

۴- واکنش شـــهرداری تهران به ماجرای این مجادله هم قابل‌تأمل اســـت، گویی محبوبیت علی کریمی بابت انتشار تصاویر او در بیلبوردهای شـــهری بوده که حال شهرداری تهران با جمع‌آوری آن این گونه به ســـخنان این ورزشکار واکنش نشان می‌دهد. امروز علی کریمی، دیروز وریا غفوری و علی دایی و فردا دیگران و دیگران به دلیل بیان بخشی از مطالبات جامعه ممنوع‌التصویر، ممنوع از ورزش و ممنوع از کار می‌شوند، انباشت این رفتارهای نادرست و نادیده گرفتن حساســـیت‌های شهروندان از کجا سر باز می‌کند؟! و سؤال آخر اینکه در موقعیتی که کشـــور، خود با مسائل امنیتی متعددی دست‌به‌گریبان است، چرا باید یک موضوع ساده به یک مسئله امنیتی دیگری تبدیل شود؟

ادامه از صفحه اول

چه کسی کودتا کرد؛ شاه یا مصدق؟

پرده اول: روایتِ طرفداران مصدق

کرمیت روزولت، جاسوس آمریکایی که‌ از طرف سازمان سیا برای هدایت کودتا به ایران فرستاده شده بود به محمدرضا شاه می‌گوید در روز کودتا (۲۵مرداد) بهتر است شما در تهران نباشید. ابتدا قرار می‌شود شاه به همراه همسرش ثریا اسفندیاری به شیراز برود ولی کرمیت که از اوضاع‌واحوال ایران اطلاعاتی جامع دارد، می‌گوید قشقایی‌ها دل‌خوشی از خاندان پهلوی ندارند چراکه رضاشاه، پدر ملک منصور قشقایی را کشته است؛ سپس قرار می‌شود محمدرضا شاه به مشهد برود که شاه در پاسخ به این پیشنهاد می‌گوید مشهد به مرزهای روسیه نزدیک است و مصلحت نیست. مقصد پیشنهادی بعدی تبریز است که باز به دلیل حافظه تاریخی از سرکوب رضاشاه در آذربایجان، تبریز هم از برنامه خارج می‌شود. در نهایت محمدرضا به رامسر می‌رود و گوش‌به‌فرمان خبرها از تهران می‌مانَد. کودتای ۲۵مرداد شکست‌خورده، یکی از اعضای ارتش که به حزب توده و ملّیون گرایش دارد خبر کودتا را به مصدق می‌رســـانَد و درنهایت شاه از رامسر به بغداد و سپس به ایتالیا می‌گریزد. پس از شکست عملیات آژاکس (کودتای ۲۵مرداد) کرمیت روزولت که شرایط سیاسی ایران را از خود ایرانی‌ها بهتر می‌شناخت و تحلیل می‌کرد از طرح براندازی مصدق ناامید نشده بود. پس از عدم توفیق کودتا در ۲۵مرداد حزب توده شروع به سازمان‌دهی تظاهراتی عظیم در تهران و شهرستان‌ها به نفع محمد مصدق می‌کند. دراین‌بین گروهی از اعضای افراطی حزب توده به شایعه‌پراکنی و اقدامات تندروانه از قبیل تهدید روحانیون و توهین به مقدسات اسلامی و درخواست الغای سلطنت و حتی رئیس‌جمهور شدن مصدق را مطرح می‌کنند. مصدق که تظاهرات را در خدمت طرفداران سلطنت می‌دانست، دستور جلوگیری از تظاهرات را به پلیس و ارتش ابلاغ می‌کند ولی از ساعات اولیه صبح ۲۸مرداد جمعیت اراذل‌واوباش از سمت جنوب به ســـمت مرکز شهر تهران به راه می‌افتند. عوامل کودتا با پیگیری و خـــرج کردن مبلغ زیادی پول نیروهایی از اوباش و زنان محلات بدنام (مانند پری بلنده) را یکدل می‌کنند و صبح روز چهارشـــنبه ۲۸مرداد سال ۱۳۳۲ خیابان‌های تهران شاهد حرکت این نیروها و نیروهای نظامی با شعار جاوید شـــاه می‌شود. تا بعدازظهر خیابان‌ها در کنترل افرادی است که به طرفداران مصدق حمله می‌کردند. دفترهای احزاب و نشریات طرفدار مصدق یا حزب توده غارت شده و به آتش کشیده شده بود. در نهایت کودتای ۲۸مرداد به نتیجه می‌رسد. کودتایی که از طرف چرچیل به خاطر انتقام از ملی شدن صنعت نفت و از طرف آیزنهاور به خاطر ترس از حاکم شدن کمونیسم بر ایران صادرشده بود. پرده دوم: مخالفانِ مصدق: مخالفان مصدق بیش از نیم‌قرن است که تبار قاجاریِ او را مستمسکی می‌دانند تا او را به روسوفیل بودن محکوم کنند. آن‌ها بر این باور هستند که در ۲۸مرداد سال ۳۲ مردم ایران علیه محمد مصدق به پا خاستند و به خانه‌اش در خیابان کاخ ریختند زیرا که می‌دانستند اتاق‌خواب او نشیمنگاه دولت است و از آنجا کشور ایران را به ویرانی می‌کشد. محمد مصدق که پیوســـته بیمار و در تختخواب بود، از جای جســـت و از دیوار چهارم‌تری خانه‌اش به خانه دیگرش که در اجاره اداره اصل چهار بود جست و دررفت ولی خوشبختانه دستگیر و دادگاهی شد و به سبب خیانت به کشور ایران محکوم‌به اعدام. مخالفان مصدق او را به قانون‌شکنی محکوم می‌کنند، چراکه معتقدند مصدق نامه عزل خودش از نخست‌وزیری را که حق قانونی شاه در آن برهه از تاریخ بوده از طرف دربار دریافت کرده ولی وقعی به آن ننهاده است و در واقع کســـی که کودتا کرده، اوست؛ نه محمدرضا شاه... آن‌ها می‌گویند در صورت بقای مصدق کشور به سمت جنگ داخلی، تجزیه و در بهترین حالت تبدیل شدن به یکی از دولت‌های اقماری شوروی سابق می‌رفت. خلاصه مطلب اینکه وقتی تقویم ۲۸مرداد را نشان می‌دهد، بسیاری از مردم ایران به‌مانند آن تصاویرِ صامت و سیاه‌وسفید شروع به نزاع و دشنام و تهدید و تخطئه یکدیگر می‌کنند. به نظر می‌رســـد مرور زمان هم باعث نشـــده آتشی که در خیابان‌های مرکز تهران در یک روز داغ تابستانی برافروخته شد، خاموش شود. حتی آزادسازیِ اسناد طبقه‌بندی‌شده سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در تایید دخالت دولت‌های آمریکا و انگلیس در وقایع ۲۸مرداد سال ۳۲ باعث نشده که تمام ایرانیان به یک تفاهم مشترک درباره چیستی اتفاقات آن روز برسند. به گمان من موضوعی که در میان این گردوخاکِ پایان‌ناپذیر تاریخی در محاق مانده، امکان و فرصتی است که به محمد مصدق برای عملی کردنِ ایده جمهوری در ایران داده نشد. هواداران مصدق هنوز نحوه به قدرت رسیدنِ محمدرضا شاه پس از تبعید پدرش را دلیلِ حمایت دوباره انگلستان و آمریکاَ از او در ۲۸مرداد می‌دانند. ایران در سال ۱۳۳۲ سیستم پادشاهی را تجربه کرده بود ولی هیچ‌گاه فرصت عملی شدنِ ایده جمهوریت در کشور پیش نیامده بود. محمد مصدق تصور می‌کرد با اتکاَ به ظرفیت حزب توده و الغای سلطنت فرصتِ برپاییِ اولین جمهوری در ایران را دارد، رؤیایی که هرگز تعبیر نشد.

ادامه از صفحه اول

قیام ملی؛ روایتی ناقص از یک کودتا

و بااین‌حال می‌توان متوجه شد حتی آنان که در ظاهر با ملی‌گرایی مشکل داشـــتند، با چراغی در دست گذشته را می‌جویند و با بازماندگان آن دوران هم‌نشینی می‌کنند، نمونه‌هایش کم نیست؛ علاقه به همسر مرحوم فاطمی و استفاده تبلیغاتی از ملی شدن نفت و انرژی هسته‌ای توسط مردان دولت نهم و دهم و استفاده تبلیغاتی از چهره مصدق در جهت نقد سیاست خارجی دولت روحانی که روی بیلبوردهای شهری و با مدیریت شهرداری تهران انجام شده بود. همان کسانی که اتهامات «حسن آیت» درباره فراماسونر بودن مصدق را ارج می‌گذاشتند، برای نقد سیاست هسته‌ای دولت روحانی آن‌همه را موقتاً به دست فراموشی سپرده بودند. این موارد آخرین نمونه‌ها از استفاده سیاسی از آن ماجراهای تاریخی برای اثرگذاری در دوران کنونی بوده است. گویی دولت مصدق نه بعد از ۲۸مرداد به حاشیه رفت و نه آنکه کار آن دولت را با تحرکات نظامی پایان دادند، در تمام این سال‌ها دولت وی و کارکردها و سیاست‌های آن دولت بارها مورد بازخوانی و نقد قرار گرفته و از حاشیه تاریخ در متن حضور دارد. تصاویر مصدق هنوز دست‌به‌دست می‌شود، پیرمردی که در احمدآباد مدفون است ولی سیاست‌ها، تصمیم‌ها و بازخوردهای دولتش حی و حاضر در میان ما اســـت. بزرگ‌ترین آن نقش کم‌نظیر نفت و درآمدهای حاصل از فروش نفت و انواع مشـــتقات آن در اقتصاد کشور است. از جدل‌های امروز به بازخوانی تاریخ نفت، کودتا و مصدق بازگردیم. یرواند آبراهامیان، محمدعلی موحد، همایون کاتوزیان، مازیار بهروز، گازیورسکی، عبدالله شهبازی، حسین آبادیان و بسیاری دیگر از محققان را می‌توان به‌عنوان منتقدان سیاست‌های شاه و کودتای ۲۸مرداد دانست. تحقیقات این افراد نشان می‌دهد سیاست‌های انگلیس، آمریکا و با همراهی دربار و شخص اشرف پهلوی سرانجام منجر به کودتا و خلعید محمد مصدق از قدرت قانونی شد. به‌این‌ترتیب تمام تحرکات جریان مقابل مصدق و حتی نامه عزل نخست‌وزیر را در فرآیندی غیرقانونی تفسیر می‌کنند. به دنبال چنین ادعایی، سخن گفتن از حرکت مردمی علیه سیاســـت‌های دولت ملی مصدق و تحرکات بعـــدی را تنها به‌عنوان کودتا می‌شناسند و می‌شناسانند. این پژوهشگران هرکدام تلاش می‌کنند مسئله کودتا و شکل‌گیری آن را از منظر خویش نگاه کنند؛ نقطه اشتراک آنان کودتا دانستن و از میان بردن قدرت دولت قانونی محمد مصدق به‌وسیله قدرت‌های خارجی اســـت. داریوش همایون، علی میرفطروس، اردشیر زاهدی، داریوش بایندر و شماری از چهره‌های دیگر نه‌تنها رویداد ۲۸مرداد را کودتا نمی‌دانند بلکه به‌ملی، مردمی و حرکت‌های مردم در خیابان‌های تهران به‌عنوان مخالفان دولت مصدق اشـــاره می‌کنند و به قدرت رسیدن دولت فضل‌الله زاهدی را خواست مردم می‌خوانند. به‌این‌ترتیب صحبت از دخالت آمریکا، انگلیس و کلیه اسناد منتشرشده سفارت‌های خارجه این دو کشور را نادیده گرفته یا تصویری از آن سندهای رسمی به دست می‌دهند که با برداشت خودشان هماهنگ باشد یا در حرکتی دیگر بخشی از این اسناد را در مطالعات خود وارد کردند و از قسمت‌های دیگر چشم‌پوشی کردند. این افراد نه‌تنها دست قدرت‌های خارجی را نادیده می‌گیرند، بلکه تمام وقایعی را که منجر به ۲۸مرداد سال ۳۲ شد در داخل کشور می‌جویند و اخراج مصدق از ساختار قدرت را نه به مخالفان داخلی و خارجی که به سیاست‌های نخست‌وزیر مرتبط می‌کنند. در واقـــع دولت مصدق را نه تانک‌های در خیابان، نه حمله و ویران کردن خانه نخست‌وزیر و یورش چماق به دستان، بلکه «مردم» برکنار کردند. به‌این‌ترتیب مردم برای حفظ قدرت شاه با همکاری چند نفر از وطن‌پرستان نخست‌وزیر غیرقانونی، لجوج و پرهزینه را به زیر کشیدند! از کودتای ۲۸مرداد ۷۰سالی سپری‌شده است و هنوز کشمکش درباره دولت مصدق وجود دارد و خواهد داشـــت، چراکه مصدق طرف تاریخ ایستاد، جایی که در زمان‌های بعد قابل اشـــاره و بازخوانی است. همین‌که بحث‌های طولانی درباره دولت مصدق در نشریات چاپی شکل می‌گیرد و کتاب‌هایی که به این برهه تاریخی می‌پردازند در بازار نشر با استقبال گسترده مخاطبان روبرو می‌شوند، حکایت زنده‌بودن آن وقایع تاریخی است. می‌توان تمام این مخالفت‌ها با برداشت سیاسی-تاریخی نزدیکان به قدرت رژیم پهلوی را در عبارتی کوتاه عنوان کرد. تمام این نقدها و دوباره خوانی‌ها به «بازسازی غرور خدشه‌دار شده ایرانیان» بازمی‌گردد. غروری که با دخالت کشورهای خارجی و با نیت به رسمت نشاخته شدن کلیدواژه «ملی» صدمه‌ای جدی خورد. آنان نه ملی شدن نفت را پذیرفتند و نه دولت «ملـــی» را. اولی را با چون‌وچراهایی قبول کردند و دومی را با به راه انداختن یک کودتای نظامی و با دخالت رســـمی در سیاســـت‌های کشور و هر دو را به هیچ گرفتند. تمام این نوشتارها می‌کوشند علل این تصمیم ضد ملی را جستجو کنند و زمینه‌سازی کودتا توسط نیروهای خارجی، آمریکا و انگلیس را مورد کنکاش قرار دهند و صدمه‌های تاریخی را ترمیم کنند. از طرفی دیگر مادامی که همچنان استخراج نفت در زمین‌های کشور انجام می‌شود و مالکیت آن در ید دولت اســـت، از منظر اقتصاد سیاسی آن تصمیم تاریخی در متن تحلیل‌ها حضور دارد و راه گریزی از آن نیســـت. تردیدی نیست تا وقتی که سیاست‌های نفتی در بودجه و برنامه‌های توسعه کشور از جایگاهی قابل‌توجه برخوردار است، روح محمد مصدق بر فراز آسمان سیاست و اقتصاد ایران به پرواز بدون محدودیت ادامه خواهد داد. پروازی که یادآور نام، کارنامه و میراث اوست و از این‌همه گریزی نیست.

ادامه از صفحه اول

گذشته نفت، چراغ آینده هسته‌ای

۳- زمانی ملی شدن نفت و کنترل مدیریت آن، نماد «حق مسلم ملی» شده بود (و البته همچنان هست) و اما در این زمان، فعالیت هسته‌ای صلح‌طلبان نماد و مصداق اعلای آن است. اما همان گونه که بیگانگان (انگلیس و آمریکا) زمَانی با توجیه حفظ منافع ملی خود با آن حق مسلم ما برخورد کردند و نهایتاً با کودتا، نهضت ملی شدن نفت را ابتر کردند، الآن هم درصدد ابتر کردن فعالیت هسته‌ای ایران به بهانه‌های مختلف، هستند. ۴- اگر اراده کرده‌ایم که گذشته تاریک، دوباره تکرار نشود، ضروری است با روش‌هایی که کشورهای سلطه‌گر بیگانه برای مقابله و شکست نهضت ملی شدن نفت به کاربردند، آشنا شویم. چرچیل که آن زمان جانشین سرفرماندهی نیروی دریایی بریتانیا بود و به برکت نفت ایران توانسته بود سوخت ناوگان دریایی را از زغال‌سنگ به نفت تغییر دهد، جمله‌ای فخرفروشانه ناظر بر قراردادهای ننگین دارسی و همچنین قرارداد ننگینتر ۱۹۳۳/۱۳۱۲ (قبل از ملی شدن نفت) دارد که به‌شدت برای هر ایرانی تحقیرکننده است. او گفته بود: «این برای ما غنیمتی از ســـرزمین پریان بود، چیزی بسیار فراتر از درخشان‌ترین رؤیاهای ما.» حال اگر می‌خواهیم چنین جملاتی دیگر تکرار نشود و از سرزمین پریان چیزهای بسیار فراتر از رؤیاهایشان به آنان ندهیم، ضروری است روش‌های سلطه‌گری آنان را به یکدیگر تذکر دهیم تا از یک سوراخ دو بار گزیده نشویم. ۵- یادآوری می‌کنم که انگلیسی‌ها خیلی هم با نام ملی شدن نفت مشکلی نداشتند؛ مسئله جدی آنان «کنترل مدیریت نفت از کشف تا صادرات» بود که اگر از دست می‌دادند از قدرت آنان کاسته می‌شد. حال هم چون هسته‌ای شدن کشـــورهایی مانند ایران از قدرت آنان می‌کاهد بدیهی است که آنان به شکل‌های مختلف مانع پیشرفت فعالیت‌های هسته‌ای شوند. ۶- یکی دیگر از علل مخالفت انگلیسی‌ها با مسئله ملی شدن نفت، این ترس بود که اقدام ایران برای کشورهای دیگر مانند مصر، عراق، عربستان و... الگویی شود، قطعاً همان ترس هنوز هم وجود دارد. لذا از انجایی که هســـته‌ای شدن کشورهای دیگر از قدرت کشورهای قدرتمند می‌کاهد بدیهی است آن کشورها با این امر مخالف باشند و طبیعی است که نخواهند ایران نمونه‌ی موفقی شود؛ بنابراین به انحای مختلف مقابل آن می‌ایستند. ۷- از روش‌های بیگانگان (انگلیسی‌ها و آمریکائیان) در جریان نهضت ملی شدن نفت یکی این بود که توقعاتی عجیب نامنصفانه و فراوانی را از شما درخواست می‌کردند که اولا نتوانی پاسخ مثبت دهی و لذا مجبور به تسلیم شوی و ثانیا اگر برآورده کنی مانند قرارداد دارسی و قرارداد ۱۹۳۳/۱۳۱۲، علاوه بر خیانت تاریخی به کشور باید سخنانی مانند سخنان تحقیرکننده چرچیل را هم شنید؛ اما اگر عمل نکنی می‌شوی آدمی لجباز، ضد صلح و آرامش بین‌الملل و حتی آدمی ضد مصلحت‌های خودت؛ همان گونه که علیه دکتر مصدق چنین طرحی را به کار بردند. در کتاب «کودتا» تألیف یرواند آبراهامیان می‌خوانیم که مبلغ درخواستی بریتانیا از ایران بالغ بر مبلغ هنگفت ۲۰۲۸ میلیون پوند می‌شد. آنان مجموع سودهای مورد انتظار برای تمام مدت‌زمان قرارداد را حساب کرده بودند؛ یعنی سود سال‌های باقی‌مانده قرارداد که ۴۲ سال دیگر بود هم حساب‌شده بود. به گفته کتاب کودتا، وزارت خارجه بریتانیا بعدها به‌طور محرمانه تصدیق کرد که در این خصوص، رقمی «نجومی» را درخواست کرد تا ایران نتواند از عهده آن برآید و مجبور به چشم‌پوشـــی از کنترل «عملیات و فعالیت‌ها» و «فروش نفت در بازار جهانی» شود. متأسفانه داستان رابطه نفتی انگلیس و ایران چنین الگویی را از سر گذرانده است. با اینکه دکتر مصدق حاضر بود غرامت عادلانه‌ای را بابت نقض قرارداد ۱۳۱۲ به انگلیسی‌ها بپردازد ولی آنان تقاضایی حریصانه را مطـــرح کردند که البته دکترمصدق آن را نپذیرفت؛ از همین رو با اتهام‌های عجیب‌وغریبی روبه‌رو شد. و جالب آنکه انگلیسی‌ها خود را طرفدار حل‌وفصل منصفانه هم اعلام می‌کردند. آبراهامیان در همان کتاب می‌نویسد: «حمله بی‌امان تبلیغاتی بریتانیا آن‌قدر مؤثر بود که حتی تاریخدانان امروزی نیز پس از گذشت ۶۰سال این ادعا را اطوطی‌وار تکرار می‌کنند که بریتانیا تمایل زیادی به حل‌وفصل منصفانه قضیه داشت.» ۸- التیماتوم دادن و گفتن اینکه این آخرین فرصت است یا اینکه نسخه نهایی توافق را آماده کرده‌ایم، از دسیسه‌های دیگر جنگ روانی - رسانه‌ای است که به‌منظور فشـــار بر کشور مقابل از آن بهره می‌گیرند. ۹- از روش‌های دیگر بیگانگان تحریم و فشار آوری اقتصادی به مردم است تا حداقل مردم چتر حمایت خود را از دولتشان بردارند. در دوران نهضت ملی شدن نفت هم دولت مصدق و در واقع مردم ایران را همانند دوران فعلی (و البته نه به‌شدت امروز) تحریم کردند. ۱۰- به‌جز تیزبینی و توانایی‌هایی که دولتمردان باید داشته باشند اما راه نهایی و مطمئن در این دنیای به‌شدت نامطمئن، برای رویارویی با بیگانگان، روآوردن به مردم و آن‌هم همه مردم با گرایش‌های مختلف است. تاریخ نه‌چندان گذشته کشورهای قدرتمند همسایه، نه‌تنها سابقه خوبی از آن‌ها به یادگار نگذاشته که متأسفانه شاهد خیانت‌های مکرر در مکرر آن‌هم است. تقویت سلاح و توان نظامی هم البته ضروری است اما حرف آخر را مردم خواهند زد. ۱۱- تکیه به مردم اما لوازمی دارد که اهم آن رعایت صداقت، عدالت و انصاف از سوی کارگزاران حکومتی است. بدیهی است هر چه مردم صداقت و عدالت را بیشتر در حاکمان ببینند، بیشتر از آنان دفاع می‌کنند. نکته دیگر آنکه تحمل تبعیضات اقتصادی و اجتماعی قطعاً بسیار سخت‌تر از تحمل فشارهای اقتصادی و اجتماعی است. اگر مردم ببینند که مسئولان آن‌ها صادقانه به آنچه می‌گویند، عمل هم می‌کنند و اگر قرار است سختی را تحمل کنند، این سختی برای همه است و شامل حکومت‌کنندگان هم می‌شود، مسلماً هم مشکلات اقتصادی را صبورانه تحمل خواهند کرد و هم در بزنگاه‌های خطر حکومتشان را تنها نمی‌گذارند. در کودتای ۲۸مرداد متأسفانه مردم، چه ملی‌گراها و چه مذهبی‌ها و چه توده‌ای‌ها (چپ‌ها و کمونیست‌ها) هیچ‌کدام مقابله‌ای در برابر کودتا نکردند؛ کودتا در دو سه روز کار همه را ساخت و تمام رشته‌ها را پنبه کرد و شد آنچه نمی‌باید می‌شد. عدم حضور مردم و مقابله آنان با بیگانگان، حتماً درسی تلخ و اما عبرت‌آموز برای همه و مخصوصاً حاکمان می‌تواند باشد.

ادامه از صفحه اول

مصدق چقدر مقصر بود؟

آیت‌الله کاشانی و هوادارانش هم در سکوت همراه با رضایت از پیروزی هواداران سلطنتاند. از آمادگی و به میدان آمدن طرفداران سلطنت ازجمله گروه‌های بدنام شعبان جعفری و یکه‌تـــازی آن‌ها در خیابان‌های تهران گفتیم، اما برویم به خانه دکتر مصدق که نقش ســـتاد دفاع از حکومت ملی را دارد و جمعی از وزرا و وکلا در آنجا جمع‌اند و منتظر فرامین سرنوشت‌ساز دکتر مصدق برای مقابله با کودتا گران هستند. حکایت دکتر مصدق در روز کودتا را بشنوید از زبان مهندس احمـــد زیرک زاده از وکلا و یـــاران صدیق دکتر مصدق در گفت‌وگو با تاریخ ایرانی: «صبح (۲۸مرداد) که ما آنجا بودیم انتظار هیچ قضیه‌ای نبود. آنجا بودیم کم‌کم سروصدا و اخبار رســـید و مرتب هم رفقا به دکتر مصدق یادآور شـــدند که آیا باید از مردم کمک خواســـت. اقلاً به رادیو بگوییم که به مردم بگویند یک همچنین خبری هست ولی دکتر مصدق به‌هیچ‌وجه حاضر نبود و اجازه نداد. من نمی‌توانم صد درصد بگویـــم ولی به ذهنم می آید که در همین روز بود که من از دکتر فاطمی که از اتاق مصدق بیرون آمد گفتم که این مرد همه ما را به کشتن می‌دهد. مصدق به‌هیچ‌وجه حاضر نشد که از مردم استمداد شـــود... وزرا بودند؛ دکتر فاطمی وزیر خارجه، مهندس معظمی وزیر پست و تلگراف. دکتر صدیقی وزیر کشـــور... از وکلا نریمان بود، شایگان بود، رضوی بود، حسینی بود، من بودم، سنجابی بود. این‌ها همه می‌رفتند و می‌آمدند. دکتر مصدق هم تو اتاق خودش روی تخت بود. هر کس خبری داشـــت می‌رفت به دکتر مصدق می‌داد... . نزدیک‌های ظهر بود ســـعید فاطمی آمد دکتر فاطمی را با خودش برد. پســـر دکتر سنجابی هم آمد دکتر سنجابی را برد. اصـــرار به دکتر مصدق که بالاخره چکار می‌خواهی بکنی و باید از اینجا رفت... تیراندازی می‌شد، گلوله می‌آمد تو اتاق. تختش را برداشتیم بردیم تو یک اتاق دیگه. ... خطر خیلی زیادتر می‌شـــد. او اصرار که شما بروید، ما اصرار که بدون شـــما نمی‌رویم... گفت خب پـــس من هم می‌آیم... . نزدیک {ســـاعت} چهار این‌طورها بود، آن مشهدی محمد که همیشـــه آنجا بود یک نردبانی پیدا کرد گذاشت بالای دیوار ما رفتیم...» در تکمیل سخنان مهندس احمد زیرک زاده می‌توان به گفته‌های آقای نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران هم اســـتناد کرد که در ســـخنانی بدین مضمون گفته کـــه «روز ۲۸مرداد طرفداران ســـلطنت و دارودسته شعبان جعفری به خیابان‌ها آمدند و به‌تدریج به تعداد آن‌ها افزوده می‌شد. با تلاش فراوان از طریق اندرونی با دکتر مصدق تمـــاس گرفتیم و اوضاع را گفتیم اما دکتر مصدق گفت شما اجازه ندارید به خیابان‌ها بیایید اوضاع بدتر می‌شـــود درگیری و خونریزی می‌شود» ...و چنین شد که کودتاچیان پیروز شدند. این روایت‌ها بخشی از تقصیر را به گردن دکتر مصدق و بی‌عملی او در آن روز سرنوشـــت‌ســـاز می‌گذارد؛ ادعایی که بخشی از تاریخ آن را رد و بخشی دیگر تایید می‌کند و هنوز میزان دقیقی از کوتاهی دکتر مصدق در این واقعه تاریخی برآورد نشده است.

ادامه از صفحه اول

نامه‌ای به آقای ماکیاولی (٤)

اگر نگوییم همه، دســـت‌کم جمع قابل توجهی از خیلِ شهروندان از شـــهری و روستایی، در این حوزه، بی‌آنکه زحمـــت رفتن به دانشـــکده‌ای را بر خـــود هموار کرده باشـــند، بدون صرف وقت و بـــا کمترین هزینه ممکن، صاحب کرســـی نظریه‌پردازی در اداره امور کشـــور، به ویژه در سیاســـت از جنس ایرانی - انقلابی‌اش شده‌اند تـــا جایی که بحمدالله والمنّه و به‌حکایت آمار، در تولید این قلم محصول به خودکفایی رسیده و ای‌بسا آمادگی صدور این تولید ملّی و منحصربه‌فرد را به اقصی نقاط دنیا داشته باشیم. باور نمی‌کنید که همه این پیشرفت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که نه از وجود حزبی منسجم، اســـتخوان‌دار و پر سابقه برخوردار بوده‌ایم و نه از نعمت وجود تشکلی سیاسی، قوی و کمال‌یافته، بهره‌مند!

در مملکت من عوام، ســـخت در تـــلاش تأمین نانی بخورونمیر و امانت‌گذار و خواص به وظیفه شـــریف (!) امانت‌داری سرگرم و مفتخر. این گروه اخیر روش برداشت میلیاردی از بیت‌المال را خوب بلدند و از مجوّزهای لازم در این زمینه برخوردار و در جایگاه امانت‌دار وظیفه‌شان را به نحو مطلـــوب و در چارچوب قانون انجام می‌دهند.

(ادامه دارد)

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۴۰ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي آقاي حسين رحماني فر فرزند رجب به شناسنامه ۵۷۵۵ كد ملي ۱۸۶۱۶۸۵۶۰۲ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۱۹۵/۸۵ مترمربع در قسمتي از پلاك ۵۶۶۴ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك از مالك رسمي عبدالمجيد رحيمي احدي از ورثه شكراله محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشخاص نسبت به صدور سند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۳۷/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۶

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۳۹ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي آقاي احمد مشـرف فرزند عبدالسـيد به شناسنامه ۶۶۵ كد ملي ۱۸۶۱۳۷۳۰۴۱ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۲۰۰/۴۰ مترمربع در قسمتي از پلاك ۵۶۶۴ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك از مالك رسمي غلامرضا رحيمي احدي از ورثه شكراله محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشخاص نسبت به صدور سند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد عرض حال ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۳۷/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۵

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۸۶ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي خانم پوران سحرخيز فرزند شعبان به شناسنامه ۱۳۵ كد ملي ۱۸۶۱۰۵۸۵۱۹ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۲۸۰ مترمربع در قسمتي از پلاك ۵۷۴۱ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك از مالك رسمي حبيب اله سحرخيز محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشخاص نسبت به صدور سند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد عرض حال ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۳۹/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۴

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۸۸ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي آقاي محمدرضا آرمده فرزند ولي به شناسـنامه ۳۰۴۴ كد ملي ۱۸۶۰۴۵۶۵۰۲ صادره از بهبهان نسـبت به ششـدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۱۸۳/۸۰ مترمربع در قسمتي از پلاك ۴۹۸۹/۴۱۴ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك از مالك رسمي فاطمه بيگم صالحين محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشخاص نسبت به صدور سند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد عرض حال ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۳۰/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۳

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۸۵ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي آقاي بهمن آبكار فرزند محمد به شناسنامه ۶ كد ملي ۶۰۰۹۹۶۱۱۱۴ صادره از كهگيلويه نسبت به ششدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۱۷۱/۳۸ مترمربع در قسمتي از پلاك ۵۱۲۵ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك از مالك رسمي خداخواست جوهري و لطفي جوهري محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشخاص نسبت به صدور سند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد عرض حال ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۴۰/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۲

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۹۶ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي آقاي جمشيد دباب فرزند ابراهيم به شناسنامه ۱۲۵ كد ملي ۱۸۶۰۹۸۸۲۰۲ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۹۲/۲۵ مترمربع در قسمتي از پلاك ۳۹۹۲ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك بموجب سند رسمي بشماره هاي ۳۸۱۸۸ ـ ۱۳۶۰/۴/۱۷ و ۵۹۶۶۹ ـ ۱۳۸۴/۴/۲۰ و ۶۱۳۲۲ ـ ۸۴/۲/۱۷ دفتر ۱۲ بهبهان بنام متقاضي محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشخاص نسبت به صدور سند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد عرض حال ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۳۲/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۰

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۸۰ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي خانم مارال افراشته فرزند داريوش به شناسنامه و كد ملي ۱۸۵۰۵۵۲۰۶۱ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۳۵/۲۸ مترمربع در قسمتي از پلاك ۵۷۶۴ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك از مالك رسمي عبدالمجيد و محمدحسن و سيد حسين و علي حسين و عبدالصمد و صديقه و بزرگ خانم شهرتين حسيني موسوي زاده ورثه نصرت آقاميري و مع الواسطه ورثه ماه گل گشتي محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشـخاص نسـبت به صدور سـند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشـار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد عرض حال ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۲۲/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۷

آگهي موضوع ماده۳ و ماده ۱۳ آئين نامه قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان

برابر راي شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۰۷۹۵ هيات موضوع قانون تعيين تكليف وضعيت ثبتي اراضي و ساختمانهاي فاقد سند رسمي مستقر در واحد ثبتي شهرستان بهبهان تصرفات مالكانه و بلامعارض متقاضي آقاي علي قنواتي فرزند غلامرضا به شناسنامه ۲۸۲ كد ملي ۱۸۶۱۰۹۳۴۶۲ صادره از بهبهان نسبت به ششدانگ يكباب ساختمان بمساحت ۵۳/۱۷ مترمربع در قسمتي از پلاك ۴۹۸۵ اصلي واقع در بخش يك بهبهان انتقال ملك از مالك رسمي غلامحسين و ابراهيم شهرتين معتقد محرز گرديده است. لذا مشخصات متقاضي و ملك مورد تقاضا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهي مي‌شود در صورتي كه اشخاص نسبت به صدور سند مالكيت متقاضي اعتراضي داشته باشند مي‌توانند از تاريخ انتشار اولين آگهي به مدت دو ماه اعتراض خود را به اين اداره تسليم و پس از اخذ رسيد عرض حال ظرف مدت يك ماه از تاريخ تسليم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضايي تقديم نمايند. بديهي است در صورت انقضاي مدت مذكور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالكيت صادر خواهد شد.

تاريخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹
تاريخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴
۱۳۳/۸/م الف
سرپرست ثبت بهبهان ـ احمدي ۹۵۸